

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
سردبیر : آرش کمانگر شماره 223 یکشنبه 3 آبان 1383 24 اکتبر 2004



مصاحبه با یاسمین میظر پیرامون گردهمایی اخیر فوروم اجتماعی اروپا

مقدمه : همانطور که در شماره قبلی نشریه اطلاع دادیم ، طی روزهای 15 تا 17 اکتبر ، گردهمایی سالانه " فوروم اجتماعی اروپا " در لندن برگزار گردید . در این رابطه گفتگویی داریم با یاسمین میظر (عضو هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری ایران ، عضو هیات تحریریه نشریه انگلیسی زبان " ایران بولتن - فوروم خاورمیانه و از فعالین " فوروم ایرانیان سوسیالیست " در شبکه پالتاک) که یکی از سخنرانان گردهمایی لندن بودند .

در صفحه 2

گزارشی از " فوروم اجتماعی اروپا

= اکتبر 2004 لندن =

صفحه 4

امید پیوندی

سناریوی " خانه عنکبوت "

و فاز دوم فیلترینگ !

آرش کمانگر

"سطح درآمد توده ها ، آنقدر پائین آمده که واقعا فقر با تمام چهره کریه اش در هر گوشه مملکت دیده می شود"

متن مصاحبه رادیویی علیرضا ثقفی

(نویسنده ، اقتصاد دان و فعال اجتماعی داخل کشور)

پیرامون خصوصی سازی و تغییر اصل 44 قانون اساسی

در صفحه 6

* تجمع اعتراضی کارگران
کارخانه پاکریس مهدیشهر
* اعتراض کارگران شرکت
" مهران موج " همدان
* حرکت اعتراضی کارگران
" نساجی بابکان " (آمل)

صفحه 11

حسین شریعتمداری ، سردبیر و نماینده " رهبر " در روزنامه کیهان و کارشناس ارشد ولی فقیه در " وزارت اطلاعات موازی " و یکی از بازجویان، شکنجه گران و صحنه گردانان زندانها در طول 25 سال جنایات رژیم، از آن دست آدمهائی ست که گرچه شناسنامه ایرانی دارد، اما با او مثل یک دیپلمات ارشد خارجی رفتار می شود که دارای مصونیت کامل است. مرتضوی (قصاب مطبوعات) که معمولاً هیچ سطری از گلایه ها و انتقادات روزنامه های " اصلاح طلب " را از نظر نمی اندازد و با بهانه و بی بهانه، دست اندرکاران آنها را به جرم " هتک حرمت " ، " اشاعه اکاذیب " ، " توهین به مقامات " و به بیدادگاههای رژیم می کشد، در برابر جنجال آفرینی ها و اتهام زنی ها روزنامه کیهان و دیگر جراید جناح محافظه کار، واکنشی از خود نشان نمی دهد. در واقع این نوع مطبوعات از نوعی مصونیت بی حد و حصر و نانوشته برخوردارند.

بقیه در صفحه 8

نامه سرگشاده گروهی از نمایندگان

سابق کارگران ایران !

به دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه های

بین المللی آزاد کارگری !

صفحه 10

مصاحبه با یاسمین میظر پیرامون گردهمایی اخیر فوروم اجتماعی اروپا

خانم یاسمین میظر ضمن تشکر از پذیرش دعوت ما ، بگذارید اولین پرسش را از چگونگی سازماندهی این فوروم شروع کنیم. نظر شما در مورد برنامه ریزی و کارهای مقدماتی فوروم اجتماعی اروپا تا پیش از شروع برنامه ها چگونه است؟ چه نیروهایی درگیر این کار بودند و چگونه عمل کردند؟

پاسخ. من هم متقابلا از شما تشکر میکنم . همانطور که میدانید دو سازمان چپ بریتانیا «حزب کارگران سوسیالیست» و «سوسیالیست آکسیون» که جریان ترنسکیستی نزدیک به مواضع شهردار لندن «کن لیونگستون» است همراه با برخی اتحادیه های کارگری- کارمندی انگلیس و البته فعالین جنبش ضد سرمایه داری، مدافعان محیط زیست و سازمانهای فمینیست در سازماندهی این فوروم فعال بودند و اگرچه از نظر تعیین روز و ساعت برنامه و درج آن در تارنما و تنظیم فعالیتها کارشان اشکالی نداشت ، تصمیمات سیاسی که عمدتا دو جریان «حزب کارگران سوسیالیست» و «سوسیالیست آکسیون» در آن نقش داشتند، انتقادهای شدیدی را برانگیخته است و مطمئنا در فوروم بعدی ، جریانهای «اتونومیست» چپ رادیکال، آنارشویستها ، فعالین «ایندی میدیا» ... کوشش خواهند کرد در فوروم اجتماعی سال دیگر که بنا است در یونان برگزار شود دخالت سازمانهای سیاسی فرسوده و سنتی چون حزب سوسیالیست کارگران بریتانیا را کم کنند.

برای اطلاع شما لازم است اضافه کنم که حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا که در جنبش ضد جنگ فعال بوده است اخیرا در پی ایجاد حزب جدیدی است که در آن میکوشد همه مخالفان جنگ از مسلمانان فعال در مساجد گرفته تا سوسیالیستها را متحد کند و طبعاً این موضع اختلافی ، در دخالتهای سیاسی این جریان در تعیین برنامه های فوروم بی تاثیر نبود.اگرچه بر خلاف فوروم پاریس اکثر سخنرانان در موضعگیری علیه جنگ بر مخالفت خود با اسلام سیاسی هم تاکید داشتند مخالفان پیگیر بنیادگرایی اسلامی- از جمله «کارزار علیه اختناق در ایران» عملاً از یکی از دو محل عمده برگزاری جلسه ها حذف شدند و به جای «الکساندرا پالاس» این جریانها به محل دوم که عمدتاً در ساختمانهای گوناگون دانشگاه لندن بود تبعید شده بودند.

دعوت از شهردار لندن به عنوان یکی از سخنرانان اصلی فوروم مورد انتقاد جوانان جنبش ضد سرمایه داری بود چرا که به رغم مواضع ضد جنگ او همچنان عضو پرو پا قرص حزب ارتجاعی تونی بلر است . «شخصیت» دیگری که حزب کارگران سوسیالیست به او چند جا پتربون داد و آنهم مورد انتقاد جوانان ، آنارشویستها و فعالان اتونومیست ... قرار گرفت «جرج گالوی» بود. ایشان هم تنها ادعای رادیکالیسمش مخالفت با جنگ ارتجاعی بریتانیا در منطقه است وگرنه، نه سابقه سیاسی یا شخصی درخشانی دارند، نه موضع دفاع بی قید و شرطشان از جنبشهای اسلامی یا تملق گویی های ایشان به صدام حسین در سال قبل از جنگ قابل دفاع است. با اینهمه از سخنرانیهایی این دو نفر و امثالشان که بگذریم صدها جلسه توسط فعالین جوان و رادیکال جنبش ضد سرمایه داری در این فوروم به مسائل گوناگونی از موقعیت کار در اروپا، آسیا و آمریکا لاتین گرفته تا مبارزه کارگران علیه خصوصی سازها، از بحث حقوق کارگران مهاجر تا جپاول منابع نفتی عراق توسط شرکتهای آمریکایی و اروپایی ، مورد بحث قرار گرفت و متأسفانه وقت کافی برای شرکت در همه بحثها ی مورد علاقه وجود نداشت.

پرسش : اگر بنا باشد در میان جلسه هایی که موفق شدید در آنها شرکت کنید به چند نمونه مثبت اشاره گردد این نمونه ها کدام هستند؟

پاسخ : یکی از جلسه هایی که من از آن کلی یاد گرفتم جلسه فعالان رادیکال جنبش محیط زیست « Friends of the Earth » در مورد خصوصی سازی صنعت نفت در عراق بود. یکی از مزایای این جلسه آن بود که ۴ سخنران با اطلاعات دقیقی دور از شعارهای سطحی برخی از این سازمانهای چپ، به قراردادهای و قولهایی که دولت موقت و نیروهای اشغالگر عراق به شرکتهای نفتی عمده اروپایی و آمریکایی داده اند از جمله «شل» ، «بریتیش پترولیوم» ،...پرداختند. یکی از سخنرانان این جلسه با کارگران نفت شرکت نفت جنوب عراق در بصره کار کرده بود و گزارش دقیق و جالبی از سازماندهی این کارگران برای برپایی اعتصاب علیه نیروهای اشغالگر ، رابطه آنها با اتحادیه رفرمیست «ای اف تی هیو» ، ترکیب سیاسی این اتحادیه و رابطه آن با حزب «شیوعی» (حزب باصطلاح کمونیست عراق که در دولت دست نشانده حضور دارد) و کارگران دیگر بخشهای شرکت نفت بیان کرد که بسیار جالب بود. تعدادی از شرکت کنندگان سئوالهای مهمی طرح کردند از جمله رابطه بین سودهای شرکتهای نفتی و منافع سیاسی اقتصادی دو دولت درگیر در جنگ - ایالات متحده آمریکا و بریتانیا-

یکی از سخنرانیهایی که بر خلاف تصور من با استقبال شدید تعداد زیادی از فعالین جوان جنبش ضد سرمایه داری روبرو شد ، جلسه تحریریه نشریه کریتیک بود تحت عنوان «نزول سرمایه داری» که به علت غیبت پرفسور تیکتین ، «میک ککس» استاد سیاست بین المللی در مدرسه اقتصاد دانشگاه لندن در آن سخنرانی کرد و بربریت امروزی سرمایه جهانی و جنگ افروزی آنرا به بحث نسبتاً کلاسیک ترنسکیستی مبنی بر دوران نزول سرمایه ربط داد . اگر چه سخنرانی نکته جدیدی برای فعالین جیش چپ نداشت ولی تشنگی جوانان جنبش ضد سرمایه داری برای شنیدن بحثی نسبتاً تئوریک در سومین روز فوروم جالب بود.

از سخنرانان دیگر این فوروم باید از هایفه زنگه از اعضای سابق یکی از جریانهای مائویست عراق یاد کرد که طی دو سال گذشته از مبارزان پیگیر جنبش ضد جنگ بوده و همیشه نکات تازه ای در صحبت او هست . مایک گونزالز نویسنده کتاب جدیدی در مورد «چه گوارا» نیز یک سخنرانی در همین مورد در دانشگاه لندن داشت که شنوندگان بیشماری را جلب کرد. «جرج کافنزیس» استاد فلسفه در دانشگاه مین در آمریکا شاید یکی از بهترین بحثهای که من شنیدم را پیرامون مقاومت روزمره علیه سرمایه جهانی ، ارائه کرد. کافنزیس از فعالین رادیکال جنبش مستقل ضدسرمایهداری است که مقاله های بیشمار او در مورد مسائل فلسفی و اقتصادی در سایت «thecommoner» خوانندگان بیشماری میان فعالین ایندی میدیا و «Peoples Global Action» دارد.

پرسش : شما در جلسه همبستگی با کارگران ایران صحبت کردید. نکات عمده سخنرانی شما چه بود و آیا موفق شدید حمایت شرکت کنندگان در جلسه را جلب کنید؟

پاسخ : همانطور که میدانم ما پارسال جلسه ای در حاشیه فوروم اجتماعی اروپا در پاریس با همین تیتیر لزوم همبستگی با کارگران ایران برگزار کردیم و امسال هم به رغم مخالفتها برخی از دست اندرکاران سازماندهی فوروم موفق شدیم جلسه ای را در برنامه اصلی فوروم در اتحادیه دانشگاه لندن برگزار کنیم. خانم «لیز لستر» از مسولین شورای اتحادیه های کارگری منطقه کامدن لندن ، عضو بخش بین المللی اتحادیه «یونیسون» و از اعضای «جنبش برای سوسیالیسم» ریاست جلسه را به عهده داشت و در مقدمه صحبت خود با اشاره به بحث و دعوا پیرامون اتحادیه «IFTU» در جلسه های فوروم اجتماعی گفت بخش گسترده ای از چپ بریتانیا در رابطه با نقد جمهوری اسلامی و موضعگیری در دفاع از مبارزات کارگران ایران در دهه ۸۰ نکات بیشماری از چپ رادیکال ایران (یعنی ا بخشی که از جمهوری اسلامی دفاع نمیکرد) یاد گرفتیم و امروز هم درسهای آن تجربه برای بررسی نوع همبستگی که کارگران عراقی به آن احتیاج دارند (علیه بنیاد گرایی مذهبی و درعین حال در مخالفت با مدافعان ایالات متحده و دولت نشانده آن در بغداد) از اهمیت خاصی برخوردار است.



مصاحبه با یاسمین

صحت من با تاکید بر موقعیت سیاسی جغرافیای ایران (که از چند جهت توسط ارتش ایالات متحده و دولتهای دست نشانده این قدرت بزرگ سرمایه جهانی احاطه شده است) شروع شد و پس از آن سعی کردم تصویری از موقعیت طبقه کارگر ایران ارائه کنم. از بیکار سازی های گسترده ، خصوصی سازیها و عدم پرداخت دستمزدها صحبت کردم و توضیح دادم که طی چند سال گذشته روزی نگذشته است که تعدادی از کارگران ایران در یکی از شهرها یا در چند شهر دست به تظاهرات ، اعتراض ، جاده بستن یا بستن نشستن زده باشند تا با ستم بیکارسازی ها و عدم پرداخت دستمزدها مبارزه کنند. از آنجا که عده ای از جریانهای ترسکیست بریتانیا چون «سوسیالیست اکسیون» و «حزب کارگران سوسیالیست» نسبت به جنبشهای اسلامی منطقه توهم آفرینی میکنند (بر این اساس که اینها مخالف آمریکا هستند) لازم بود تاکید کنم که ۲۵ سال پس از به حکومت رسیدن جمهوری اسلامی در ایران، کارگران و زحمتکشان در کشور ما «جنبش اسلامی» را مترادف با ثروت اندوزهای نجومی، ملایان مرسدس بنز نشین، و عرق در فساد مالی میدانند. ملایانی که فرزندانشان (آقازاده ها) ثروت های خود را به جیب میزنند و در این میان فقر و بدبختی از آن اکثریت جامعه است که زیر خط فقر زندگی میکنند و قادر نیستند در برابر افزایش سرسام آور قیمتها از حق معیشت متناسب با قیمتها برخوردار باشند ، توضیح دادم که عدم پرداخت حقوق در ایران آنچنان رایج است که برخی سرمایه داران با حمایت دولت عدم پرداخت دستمزدها را به ابزاری مطمئن برای افزایش سود تبدیل کرده اند. لازم بود فعالان جنبش ضد سرمایه داری بدانند که صنایع نساجی در ایران با حمله بی سابقه سرمایه برای بهره گیری از سودهای نجومی روبرو هستند ، صنایع نساجی در پی خصوصی سازیها ، بسته شده اند و صدها هزار کارگر در شمال و مرکز ایران در بخش نساجی بیکار شده اند. در صنعت نفت تقریباً همه بخشهای خدماتی خصوصی شده اند و در کل صنایع «حساس» دولتی اعتصاب غیر قانونی است. فوروم اجتماعی اروپا طبعاً مکان و زمان مناسبی برای توضیح و افشای لایحه های مصوبه مجلس جمهوری اسلامی بود . لایحه هایی که کارگاههای زیر ۵ نفر را از قانون کار معاف میکند و کارگاه های زیر ده نفر را از اجرای دهها ماده قانون کار معاف مینماید ، کارگاههایی که با استفاده از این «استثنا» با خیال راحت کودکان زیر ۱۶ سال را با حقوق ناچیز به کار میگیرند. توضیح دادم که طبق گزارشهای روزنامه های داخل ایران، خرید یک کارگر خردسال قالی باف دوسال پیش بین ۴۰ تا ۱۵۰ دلار در سال تخمین زده شده است. اینچای جای افشای قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی در مورد غیر قانونی بودن تشکلهای مستقل کارگری بود و ما این امر را باز کردیم و توضیح دادیم که شوراهای اسلامی ، ارگانهای ایدئولوژیک حکومت اسلامی هستند که عمدتاً از جاسوسان کنونی و سابق رژیم در کارخانه ها تشکیل شده اند و اگرچه ممکن است سازمان جهانی کار این سازمانهای صاحبکاران را به رسمیت بشناسد جنبش ضد سرمایه داری و جنبش کارگری باید در افشای این ارگانهای «اسلامی» فعال شود. علاوه بر این سعی کردم رابطه این سیاستهای اقتصادی و خصوصی سازیها را با نظام سرمایه جهانی و رابطه وامهایی که جمهوری اسلامی از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دریافت کرده است را توضیح دهم. من در بخش پایانی صحبتیم به آنترانویوهای سیاسی که با در نظر گرفتن شرایط منطقه در پی دستیابی به قدرت هستند صحبت کردم و نظر خودم در مورد آنترانویوهای بورژوازی چه از نوع سلطنت طلب و چه از انواع جمهوریخواه آنرا بیان کردم. قصد اصلی ما از این جلسه ایجاد هماهنگی بین مدافعان مبارزات کارگران ایران در سطح اروپا و بریتانیا بود. در نتیجه بخش مفصلی از صحبت من به لزوم ایجاد کارزار مستمر ، با برنامه و درازمدت در دفاع از مبارزات کارگران ایران بود و طبعاً در این بخش به کارگران دستگیر شده در سفیر در اول ماه مه سال 83 و کارزارهای دفاع از این کارگران اشاره کردم.

پاسخ نمایندگان سازمانهای چپ بریتانیا و برخی از فعالین مستقل و نسل جوان ایرانی و اروپایی به خواست ما مبنی بر الویت بخشیدن به همبستگی با کارگران ایران ، بسیار مثبت بود و من امیدوارم با جمع کسانی که خواهان همکاری درازمدت در این رابطه بودند بتوانیم کارزار دفاع از کارگران ایران در بریتانیا و اروپا را فعالتر از همیشه ، به پیش ببریم .



رژه اسکلتها ، نمادی از مخالفت با جنگ و کشتار در راهپیمایی 17 اکتبر در لندن

پرسش : اشاره ای کردید به جلسه در مورد اتحادیه کارگری IFTU و اعتراض شرکت کنندگان ، ممکن است در این مورد هم توضیحی بدهید؟

پاسخ : بیش از دوهفته قبل از شروع فوروم اجتماعی اروپا بحثی در حد برخی از اتحادیه های کارگری و سازمانهای سیاسی چپ بریتانیا پیرامون نقش اتحادیه کارگری IFTU و ارتباط آن با سیاستهای حزب شیوعی یا حزب «کمونیست» عراق در جریان بود. بسیاری از اتحادیه های کارگری در بریتانیا ، اروپا و سراسر جهان از این اتحادیه حمایت کرده بودند چرا که به رغم تاریخ ننگ آور حزب شیوعی در عراق (که مانند حزب توده ما گاهی از صدام حمایت کرده بود گاهی از کودتا و زمانی هم علیه صدام) به نظر میرسید اتحادیه کارگری - IFTU ولو در شکلی بورکراتیک ، خواستهای بخشی از جنبش کارگری عراق را نمایندگی میکند. از اینرو این جریان از حمایت اکثر اتحادیه های عمده جهان برخوردار است . برخی از فعالین جنبش ضد سرمایه داری به شیوه سازماندهی این اتحادیه انتقاد داشتند ولی در هر صورت مدافعان این اتحادیه از مخالفتش بیشتر بودند تا اینکه در حین برگزاری کنفرانس حزب کارگر بریتانیا این اتحادیه در موضعگیری ای که آینه ای از موضع راست حزب «شیوعی» بود از قطعنامه پیشنهادی دولت بلر و رهبران رفرمیست اتحادیه های کارگری وابسته به حزب کارگر انگلیس، علیه قطعنامه جنبش ضد جنگ درگیر شد و طبعاً آماج حمله گسترده نیروهای چپ، فعالین رادیکال در اتحادیه های کارگری و سازمانهای سیاسی چپ قرار گرفت. تا آنجا که من شنیدم نماینده این اتحادیه تا حد سخنرانی در دفاع از قطعنامه پیشنهادی دولت بلر در مورد ادامه حضور نیروهای نظامی بریتانیا در عراق تنزل کرد و خشم و نفرت نیروهای ضد جنگ را برانگیخت.

طبیعی بود در چنین شرایطی سخنرانی نماینده این اتحادیه در فوروم اجتماعی اروپا جنجال برانگیز بود و چنین هم شد. همانطور که خانم لستر در معرفی جلسه هماهنگی دفاع از کارگران ایران مطرح کرد این جنجال هم درسهایی برای جنبش دفاع از مبارزات کارگران ایران دارد و هم برای فعالین جنبش چپ و کارگری بریتانیا اهمیت دارد . از یکسو حمایت بخشی از چپ بریتانیا از جمله حزب کارگران سوسیالیست از نیروهای مذهبی - بنیاد گرا فقط به صرف اینکه ضد آمریکا هستند موضع خطرناک و انحرافی است و از طرف دیگر نمیشود در رابطه با اتحادیه و جریان سیاسی (حزب شیوعی) که کمیته مرکزی آن در دفاع از دولت «انتقالی» در عراق



گزارشی از " فوروم اجتماعی اروپا

= اکتبر 2004 لندن =

امید پیوندی

فوروم اجتماعی اروپا امسال در شهر لندن با شعار " دنیای دیگری ممکن است " و " برای اروپایی دیگر در دنیایی دیگر " ، در فاصله روزهای بین 14 تا 17 اکتبر برگزار شد. شرکت کنندگان در فوروم لندن که تعدادشان بیست هزار نفر بر آورد می شد، فرصت داشتند که در حدود پانصد جلسه بحث و سخنرانی شرکت کنند. بعثت گنجایش محدود سالن محل برگزاری مراسم افتتاحیه، فقط تعدادی حدود 1500 نفر توانستند در این بخش از برنامه شرکت کنند. اما جلسات بحث و سخنرانی در چند نقطه شهر لندن برگزار شد که مرکز اصلی آن " الکساندر پالاس" در شمال لندن بود.

موضوع اصلی سخنرانی ها عبارت بود از جنگ و صلح ، دموکراسی و حقوق پایه ای ، همبستگی و عدالت اجتماعی و جهانی شدن ، عدالت در سطح جهان، بر علیه نژاد پرستی، راست افراطی و تبعیض ها، بحران محیط زیست و مسائل مربوط به آن.

در کنار جلسات بحث و سخنرانی مراسم های هنری- فرهنگی نیز سازمان داده شده بود که از جمله شامل اجراء موسیقی ، رقص، نمایش فیلم، عکس، پوستر ، کارهای دستی و غیره بود. در سالن بزرگ الکساندر پالاس تعداد بیشمار میز و محل نمایش از ملیت ها و تشکل های مختلف وجود داشت که به شیوه ها و زبانهای مختلف هر یک چیزی را عرضه می کردند ولی همه این تلاشها و همه این تنوع در خدمت یک هدف بود. به مضاف طلبیدن نظم موجود و تلاش برای ایجاد دنیایی دیگر. در سالن های مختلف بحث، سخنرانان را می دیدی که هر یک از زاویه ای به این مطلب می پرداختند و در راهروها تجمعات بحث کوچک و بزرگ را می دیدی که افراد با شور و حرارت نظراتشان را بیان می کردند. در اتوبوس ، پیرمرد اسپانیایی سرود انتر ناسیونال را به زبان اسپانیایی می خواند و بدنیاال او جوانی سرود کمونیست های ایتالیا را سر می داد. شرکت جوانان در فوروم لندن بسیار چشمگیر و عمده شرکت کنندگان مربوط به این طیف سنی بود.

سازماندهی فوروم لندن به تأیید بسیاری خوب صورت گرفته بود و تمرکز بسیاری از جلسه ها در یک محل ، از نقاط برجسته این سازماندهی بود. به غیر از امکانات داوطلبین برای اسکان دادن مهمانان ، در سالن " میلی نیوم نم" نیز هزاران نفر جا داده شده بودند. همزمان تعداد زیادی از سخنرانها بر زبان های دیگر ترجمه می شد و شرکت کنندگان این سخنرانها را می توانستند به زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیایی و ایتالیایی بشنوند. این کار بوسیله تعداد زیادی مترجمین داوطلب صورت می گرفت که از جمله پنج هزار داوطلبی بودند که مجموعه کارهای تدارکاتی و انتظاماتی را بعهده داشتند.

تعداد بسیار زیادی سازمان ، گروه، تشکل و اتحادیه یا در سازماندهی فوروم لندن شرکت داشتند یا از آن حمایت کرده بودند. تنها تا اول اکتبر حدود 200 گروه و تشکل در این رابطه ثبت نام کرده بودند.

یکی از مسائل مطرح شده در جلسات سخنرانی و بحث این بود که فوروم اجتماعی اروپا موفق شده است نیروی عظیمی را بر علیه جنگ اشغالگر سازمان دهد، اما از این به بعد باید تلاش کرد این نیرو را بر علیه نئو لیبرالیسم و خصوصی سازیها بسیج نمود. از طرف دیگر تعداد قابل توجهی از سخنرانان بحث اصلی شان زیر ضرب بردن

مصاحبه با یاسمین

(منظور دولت دست نشانده آمریکا است) مداحی میکند کوتاه آمد و این موضع ارتجاعی را افشا نکرد. این روزها اتخاذ موضع رادیکال در قبال اوضاع پیچیده منطقه ما کار ساده ای نیست اما اگر کسی دفاع از مبارزات طبقاتی و مبارزه کارگران را در راس آمال خود قرار دهد این امر چندان هم مشکل نیست . افشای سیاستهای ایالات متحده و دولت دست نشانده ایاذ علوی در راس وظایف نیروهای مدافع طبقه کارگر عراق و منطقه است اما اسلام سیاسی و ارتجاعیونی که کارگران نپالی، ترک ، پاکستانی و ... را در عراق سر میبرند نیز قابل دفاع نیستند و آن بخشی از چپ که در فرمول سطحی و ساده دشمن دشمن دوست است غرق شده (مثل حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا) انحرافات اساسی دیگری را دنبال میکنند. افشای هر دو انحراف از وظایف عاجل ما است.

پرسش : مسئله ایجاد فوروم اجتماعی ایران و خاورمیانه مطرح شده است ، نظر شما در این مورد چیست؟

متأسفانه سو تفاهمهای بیشمار در مورد مقوله «فوروم اجتماعی» میان فارسی زبانان وجود دارد که قبل از هر چیز لازم است مشخص کنیم «فوروم اجتماعی» چه نیست!! فوروم اجتماعی جبهه سیاسی نیست ، اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران نیست، اتحاد حزبی گروهی نیست ، اتحاد چپ هم نیست . جنبش جنبشهای ضد سرمایه داری است (نه فقط جهانی شدن) چر که در قرن ۲۱ از سرمایه دیگری نمیشود صحبت کرد و حتی مدافعان جنبش دفاع از محیط زیست ، مدافعان رادیکال جنبش زنان در فوروم های اجتماعی به این نتیجه رسیده اند که جهانی شدن سرمایه نتیجه اجتناب ناپذیر این مرحله از رشد آن است. بر عکس تصور نیروهای ایرانی که اصرار دارند فوروم اجتماعی را تنها محل گردهم آیی مخالفان جهانی شدن معرفی کنند ، این فوروم ها بیش از پیش محل گردهم آیی جنبشهای گوناگون مخالفان سرمایه است. در ایران هم فوروم اجتماعی معنی نخواهد داشت جز جنبش مبارزات طبقاتی اجتماعی کارگران، زحمتکشان، جوانان و زنان تنها علیه جناحهای جمهوری اسلامی بلکه علیه نظام سرمایه داری در کشور ما حالا با هر تعریف و تعبیری از جایگزین آن . انتقاد بخش وسیعی از جنبش جوان اتونومیست، آنارشویست و حتی بخش رادیکال جنبش دفاع از محیط زیست به سازمانهای سنتی چپ اروپایی ، چه از نوع استالینیست و چه از نوع ترنسکیویست آن ، محافظه کاری و راست روی این احزاب است . در نتیجه این تصور غلط میان برخی از مدعیان دفاع از فرم اجتماعی که میشود در چنین فورومهایی سازش طبقاتی را تبلیغ کرد ، کاملاً اشتباه است. از طرف دیگر به نظر من در خارج از مرزهای ایران نباید از بالا و با الیت روشنفکری «فوروم اجتماعی» ساخت اما ضروریست در دفاع از جنبشهای اجتماعی ایران فعالانه دخالت کرد. هدف تشویق جوانان بیکار شده، کارگران قربانی خصوصی سازی ها ، جنبش زنان رادیکال ، مدافعان محیط زیست به همکاری و همسویی برای ایجاد این " جنبش جنبشها " در درون کشور است.

گزارشی از

درمقابل صدها هزار کشته و مجروح عراق، اینکار هم دبر و هم غیر پاسخکو است. او گفت اگر ما پولی داریم بجای صرف آن در جنگ باید بر علیه فقر هزینه شود.

- لی جاسپر مشاور شهردار لندن و مسئول تشکیل اتحاد بر علیه نژاد پرستی از جمله گفت، صندوق بین المللی پول، آفریقا و کشورهای دیگر نقاط دنیا را نابود کرده است. وی ضمن حمله به نژاد پرستی که در خیلی از جاها باعث مرگ انسانها می شود روز دوم آوریل را به عنوان روز اعتراض بر علیه نژاد پرستی اعلام کرد و از نمایندگان اروپا خواست که این روز بعنوان روز مقاومت بر علیه نژاد پرستی تعیین شود.

- بروس کنت از کمپین بر علیه سلاحهای هسته ای از جمله گفت زمانی من به انگلیسی بودنم افتخار می کردم ولی با اشغال عراق من شرم دارم از اینکه انگلیسی هستم وی بیان کرد: در عراق سلاح کشتار جمعی وجود نداشت و اینها همه دروغ بود. مغذرت خواهی در مقابل اقداماتی که شده بی معنی است. وقتی یک نفر کسی را می کشد قتل انجام داده است ولی کسی که به یک کشور حمله و مردم آنجا را می کشد جنایت جنگی انجام داده است و باید در یک دادگاه بین المللی تونی بلر بعل میلسونیچ نشانده شده و به جرم جنایات جنگی محاکمه شود.

- جرج گالوی اعلام کرد: نه به جنگ، نه به اشغال، نه به بربریت کاپیتالیستی، نه به جهانی سازی. وی تاکید کرد آمریکا می خواهد نیروهایش را روی فلوجه متمرکز کند. فلوجه استالینگراد عصر ما است و حماسه استالینگراد دارد در فلوجه تکرار می شود. 350 هزار نفر از مردم فلوجه بسیج شده اند که در مقابل نیروهای اشغالگر مقاومت کنند. از اینجا که می روید روی یک مسئله فکر کنید: حمایت از مردم فلوجه.

- تونی بن از نمایندگان قدیمی پارلمان گفت این جمع اکثریت مردم دنیا را نمایندگی می کند. او با تاکید بر اهمیت نیروهای سازمان یافته در طول تاریخ گفت یکی از کارهایی که ما داریم می کنیم مقاومت در برابر یک جنگ امپریالیستی خشونت بار است.

- آلیه گوارا (دختر چه گوارا) اعلام کرد: فوروم امروز دارد تمام می شود، اما آنچه ادامه دارد مبارزه است. او گفت جنگ بر علیه امپریالیسم باید ادامه پیدا کند.

- کریست نایلم از ائتلاف ضد جنگ بیان کرد: ما حرکت متحدی را بر علیه اشغال استعمارگرانه سازمان می دهیم و تاکنون توانسته ایم پیش رویم اما باید در تدارک هر چه بیشتر سالروز حمله به عراق در 19 و 20 مارس باشیم و آن را تبدیل به همان حرکت بزرگی بکنیم که در 15 فوریه داشتیم. در این 2 روز باید بر علیه جنگ و بر علیه نئو لیبرالیسم در هر جای دنیا تظاهرات کنیم.

- والدین چند تن از کشته شدگان انگلیسی در جنگ عراق نیز سخنرانی کردند و دولت بریتانیا را مسئول مرگ فرزندان خود اعلام کردند.

پس از پایان سخنرانیها تظاهر کنندگان به اجراء موسیقی از جانب " بنیاد آسیانی داب" گوش فرا دادند. مضامین و کلام بخش های زیادی از این موسیقی حمله به سیاست های سلطه گرانه آمریکا و دولتهای غربی بود.

به این ترتیب فوروم لندن با اجراء این بخش از برنامه پایان یافت. اگر چه رسانه های رسمی و نیمه رسمی موزیانه در مقابل این حرکت عظیم سکوت کرده و از کنار آن گذشتند اما همانطوریکه برخی از سخنرانان اعلام کردند ابرقدرت جدیدی متولد شده و این نیرو سلطه زورگویان بر جهان ما را در وجوه گوناگون به چالش طلبیده است.

باشد که فعالین جنبش های مختلف اجتماعی در کشور ما در پرتو تجربیات فوروم اجتماعی اروپا قادر شوند هر چه بیشتر مبارزات خود را هماهنگ و متمرکز سازند.

پایه های سیستم حاکم بر جهان و حمله مستقیم به نظام سرمایه داری بود. در این میان تعدادی هم بودند که به نحوه سازماندهی فوروم از این جهت که نیروها و سازمانهای بزرگ بیشتر نفوذ دارند و منفردین و نیروهای کوچک، آنچنان دخالت داده نمی شوند اعتراض داشتند.

در فوروم امسال اروپا، حضور نیروهای از ترکیه و ونزوئلا چشم گیر بود. تعدادی از سخنرانان بنحو ویژه ای اشاره به کشور ونزوئلا داشتند و حضور نیروهای از این کشور را خیر مقدم می گفتند. از جمله معدود جلساتی که بوسیله نیروهای ایرانی سازمان داده شده بود، جلسه ای بود از طرف نشریه ایران بولتن - فوروم خاور میانه، اتحاد چپ کارگری، فوروم سوسیالیستی ایران و کمپین بر علیه اختناق در ایران، در این جلسه خانم یاسمین میطر ضمن تشریح وضعیت کارگران ایران توضیح داد که دستمزدهای پائین، عدم پرداخت دستمزد، بیکاری و عدم شامل بودن قانون کار بر همه کارگاهها از جمله مسائل و مشکلات جدی طبقه کارگر ایران است. او خواهان حمایت بین المللی از کارگران ایران شد.

در چهارمین و آخرین روز فوروم اجتماعی اروپا در لندن تظاهرات و راهپیمایی عظیمی صورت گرفت. شعارهای اصلی این تظاهرات توقف جنگ، نه به نژاد پرستی، و خصوصی سازی را متوقف کنید، بود. در حالیکه پلیس تنها اعلام کرد بیست هزار نفر در این حرکت شرکت کرده اند، سازمان دهندگان اعلام نمودند حدود صد هزار نفر در خیابانهای لندن راهپیمایی کرده اند. ساعتها طول کشید تا راهپیمایان توانستند خود را به میدان "ترافالگار اسکوئر" برسانند. بسیاری از تظاهر کنندگان وقتی به این محل رسیدند، سخنرانیهای پایان مراسم تمام شده بود. سندیگاههای کارگری، نیروها و سازمانهای چپ، سازمانهای سیاسی ملیت های مختلف، زنان، جوانان، پیرمردان و پیرزنان، گروههای مدافع صلح و مدافع محیط زیست، تشکل های ضد نژاد پرستی و بسیاری دیگر با حمل پلاکاردها، پخش اعلامیه، اجراء موسیقی، رقص و پایکوبی و سر دادن شعار نفرت خود را از نظم موجود و سیاست های حاکم بر دنیا با مضامین مختلف بیان داشتند و خواهان ایجاد دنیایی دیگر شدند.

از ویژگیهای این راهپیمایی سر دادن شعار به زبانهای مختلف بود و این تنوع، جلوه خاصی به راهپیمایی لندن داده بود. پایان اشغال عراق و دفاع از مبارزات فلسطینی ها از محوری ترین شعارهای تظاهرات بزرگ لندن بود. دفاع از عدالت اجتماعی، اعتراض به سیاست های دولت ها در معدود و محدود کردن خدمات اجتماعی، دفاع از حقوق بیکاران و بازنشسته کان، اعتراض به سیاست های پناهنده ستیزی، اعتراض به نقض حقوق بشر در زندانهای عراق، اسرائیل و کمپ گوانتانامو و تعداد بسیار زیادی دیگر خواسته های ریز و درشت، شعارهایی بود که در تمام طول مسیر راهپیمایی فریاد زده می شد. راهپیمایان هنگامی که جلوی محل نخست وزیری رسیدند خشمگینانه شعار می دادند: " سربازان را از عراق بیرون بکشید، " تونی بلر شرمت باد" و " تونی بلر تروریست است!"

در محل پایانی تظاهرات، تظاهر کنندگان به سخنرانی تعدادی از شخصیت های سیاسی گوش فرا دادند.

- " جرمی کوبن " نماینده پارلمان از جناح چپ حزب کارگر اعلام کرد ما آن نیروئی هستیم که تبدیل به آلترناتیو در مقابل این دنیای تک قطبی شده ایم. یک جنبش جهانی در مقابل اشغال عراق، افغانستان و اشغالهای اجتماعی دیگر از جمله اشغال ایران، خود را دارد نیرومند می کند.

- نماینده اتحادیه استادان و معلمین کالجها و دانشگاهها بیان کرد مغذرت خواهی از جانب تونی بلر کار ناچیزی است

متن مصاحبه رادیویی علیرضا ثقفی

(نویسنده ، اقتصاد دان و فعال اجتماعی داخل کشور)

پیرامون خصوصی سازی و تغییر اصل 44 قانون اساسی

یاد داشت :

به دنبال اهمیت بحث خصوصی سازی های دولتی در ایران ، رادیو برابری گفتگویی را با آقای علیرضا ثقفی نویسنده و از فعالین اجتماعی داخل کشور پیرامون سیاستهای خصوصی سازی جمهوری اسلامی و همسویی آن با سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول انجام داده است . ما به لحاظ اهمیت این مصاحبه در ارائه های عینی خصوصی سازی در ایران و عواقب به جا مانده از آن در اقتصاد کشور و همینطور نگاهی به وضعیت شهرستان بم ، پس از گذشت ۹ ماه بعد از فاجعه دلخراش زلزله ، با برخی تغییرات گفتاری به نوشتاری ، گفتگو را عینا پیاده کرده و به اطلاع خوانندگان می رسانیم . عنوان مطلب از نشریه هفتگی است !

« هفته نامه راه کارگر »

پرسش : آقای ثقفی ضمن سیاست از شما که در این گفتگو شرکت کردید ؛ اخیرا اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ، طی مصوبه ای از طرف « مجمع تشخیص مصلحت » تغییر کرده است . به موجب این تغییر ، مسئله خصوصی سازی در همه عرصه ها از جمله ؛ بانکداری ، بازرگانی خارجی ، بیمه و بویژه نفت و گاز مجاز اعلام شده است . نخستین پرسش ما این است که با توجه به موج خصوصی سازی که طی سالهای اخیر در جمهوری اسلامی ایران به جریان افتاده ، چه ضرورتی منجر به این شد که اصل ۲۴ قانون اساسی تغییر یکنند؟!

پاسخ : عرض شود ؛ مشکلات اقتصادی که در مجموع گریبان جامعه ما را گرفته به گونه می باشد که تقریبا می شود اعلام داشت : تمام رشته های صنعتی در دست دولت بوده است . به علت بوروکراسی فوق العاده قوی و مدیریت فوق العاده ضعیفی که در این دستگاه بوروکراتیک اعمال می شد ، تقریبا کارها به حالت توقف در آمده است . میلیارد ها تومان سرمایه در دست بخشهای دولتی است که بلا استفاده مانده و این در حالی است که کشور ما ایران ، کشور بسیار ثروتمندی است . از نظر منابع نفت و گاز و سایر معادن خیلی غنی است اما متأسفانه وضع اقتصادی بسیار اسفناکی بر ایران حاکم است . من اینچوری می بینم : که سردمداران امور مملکت ، هیچگونه برنامه ریزی مشخصی برای آینده ندارند و تنها برای فرار از تنگناها و یکمقدار تقسیم منابع باقیمانده بین به اصطلاح نزدیکان حکومتی یا دارو دسته های حکومتی ، متأسفانه دست به هر عملی می زنند . از جمله : ما شاهد این هستیم که یک سری برنامه های خصوصی سازی که آقایان دارند اجراء می کنند ، کارخانجات را می فروشند و هم منابع و معادن را می فروشند . این فروش را هم کاملا به زیر قیمت همان مواد اولیه و ماشین آلاتی که این کارخانجات و این منابع دارند ، اینها به دیگران واگذار می کنند .

خدمت شما ، در این مورد بعنوان یک نمونه از این خصوصی سازی ها عرض کنم مثالش : کارخانه الکتریک رشت است . از شما مدعی می خواهم ، چرا که در شرایطی هستیم که تازه از سفر بم آمدم و در جایی هستیم که به آمار و ارقام فراهم آمده در این زمینه ، الان دسترسی ندارم . همین حد اطلاع می دهم که کارخانه الکتریک رشت ، تنها و تنها ، زمینش ۸۰ میلیارد تومان می

ارزد . ماشین آلات آن ، مقدار زیادش هنوز دست نخورده باقی مانده است و باز نشده، می دانید که این کارخانه ، بزرگترین کارخانه صنعت الکتریکی کشور است و همه قطعاتش را خودش تولید می کند . این کارخانه ایکه تنها زمین سابقش ۸۰ میلیارد تومان ارزش دارد . مدتی است به یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان به چهار (۴) خانم فروخته شده است ، که البته هویت اینها را سعی می کنند ، مخفی نگهدارند ولی بقرار مرسوم ، خود کارگران این کارخانه می گویند که آنها _ خریداران _ مربوط به خانواده کارگران هستند . آقای قبه معاون قبلی آقای کرباسچی ، مدیر عامل جدید این کارخانه شده است . حتی حقوق کارگران ، اخراجی را که حدود ۷۰۰ نفر هستند تا حال حقوق قانونی آنها را هم نپرداختند و تنها به فکر این هستند که کارخانه را تعطیل کنند و مواد اولیه را بفروشند و زمینش را هم به ساختمان سازی اینها اختصاص بدهند !

این یک نمونه از خصوصی سازی ها است که ما در جامعه می بینیم . هر گونه تغییری که در قوانین داده می شود ، متأسفانه فقط برای تسهیل این غارت است ، غارتی که بطور عجیبی دارد از این منابع صورت می گیرد . ما در ابتدای انقلاب شاهد این بودیم که بسیاری از این کارخانجات ورشکست شدند . در ابتدا همان تغییر حکومتی که در سال ۵۷ صورت گرفت ، بسیاری از این کارخانجات ورشکست بودند و با میلیارد ها دلار و یا میلیارد ها تومان، هر کدام از این کارخانجات ، دیگر با ره بر سر پا آمده تا دو باره به ثمن یخس به عده ای از وابستگان دولت فروخته شوند . این نوع خصوصی سازی و چنین نمودی از خصوصی سازی که ما در این مملکت می بینیم در دنیا بی سابقه است . کارخانه چیت ری نیز به همین ترتیب قابل بحث است . این کارخانه در وضعیتی قرار گرفته که زمین بسیار ارزشمندی وسط شهر دارد . کارخانه به مدیران همانجا واگذار شده که طبیعتا وابستگان حکومتی هستند . در این میان بخاطر واگذاری ، ابتدا زمین کارخانه کمتر از ۱۰/۱ (یک و دهم) قیمت به فروش می رسد . گفتنی است : مدیران جدیدی که آنجا هستند تنها به فکر این می باشند که آنرا دست به دست کنند و به صورت ساخت و ساز و آپارتمان سازی که قیمتش خیلی بالاتر از تولید کالا است در بیآورند و سود کلانی به جیب زیند می توانم بگویم : دقیقا این شکل خصوصی سازی است که صورت می گیرد و حتی قوانینی که شما _ در پرسش ثان هم بود _ تغییر می یابد و هرچیز دیگری در این زمینه ، هر شکل که بتوانند با بقایای آنچه را که از جیب ملت ساخته شده است ، همه را به رانت خواران واگذار کنند تا کار خود را به انجام رسانند !

پرسش : در اینجا این سنوال پیش می آید که در این مورد مشخص ما با دو نگرش روبرو هستیم ، یکی از این دو می گوید ؛ خصوصی سازی نه تنها دست غارتگران بومی را باز می کند بلکه دست غارتگران بین المللی را هم بازتر خواهد کرد . بویژه در مورد نفت و گاز ، اما نگرش دومی هم وجود دارد که مدعی است ؛ این خصوصی سازی علیرغم مشکلات و مسائلی که _ شما به آن هم _ اشاره کردید ، اعلام می دارند ؛ این خصوصی سازی نهایتا منجر به توسعه اقتصادی یا چه بسا که توسعه سیاسی جامعه ایران بشود . حال از نظر شما این روند خصوصی سازی چه پیامدهایی می تواند داشته باشد ؟

پاسخ : اصلا چنانچه به خصوصی سازی در سطح نظری که امروز در جهان سرمایه داری وجود دارد و ما در اینجا با آن روبرو هستیم ، نگاه کنیم ، می بینیم که دولت بخشهایی از مسائل اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار کرده که این بخش خصوصی با شریک شدن به اصطلاح در اقتصاد جامعه ، نتواند حقوق بیشتری بدست بیاورد بلکه نتواند با یک بخش از مردم متوسط ، درچرخه اقتصادی بطور کلی قرار بگیرند . اصل خصوصی سازی که در دهه اخیر مطرح شده ، طرح هایی بوده که بطور مشخص روش نئولیبرالیسم را برای پیاده شدنش در جامعه ما بکار برده است که ما اصل را بر این می گذاریم _ فعلا _ بدان کاری نداریم . فرض را بر این می گیریم که این ادعا صحیح باشد . فرض را بر این می گیریم که اگر این مسئله ، آنطور که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ادعا می کند ، لافاقل به همان ترتیبی پیش برود که اقشار دیگری از

متن مصاحبه رادیویی

مردم به اصطلاح در این چرخه اقتصادی قرار بگیرند و انحصار مرتب ضعیف تر بشود ، به فرض درست بودن این قضیه ، آنطور که ادعا می کنند که دموکراسی گسترش پیدا می کند ، به فرض صحت همه این قضایا و پیش فرض ها ، در ایران اساسا چنین مسئله ای مفهوم ندارد . در مورد آزادی سرمایه خارجی در کشور ، اولاً برای اولین بار در تا ریخ معاصر ایران است که به سرمایه دار خارجی اجازه داده می شود که تا ۹۰ و ۹۹ در صد حتی ۱۰۰ در ۱۰۰ سرمایه ها را در اختیار داشته باشد ۰۰۰ که فرض می کنیم حالا این هم بخاطر این باشد که سرمایه ها به ایران بیایند ، منتهی سیستم داخلی به گونه ایست که در همین بخش نفت و گاز ، طبق گزارشات مستندی که ما داریم . متاسفانه هر قسمتی به یکی از ارگانها واگذار شده است . این ارگانها جریانات مطلق العنانی هستند که به هر ترتیب که می توانند عمل می کنند . مثلاً : فارس جنوبی یا حتی صنایع نفت و گاز هر کدام به یکی از ارگانها واگذار شده و حالت بخش غنایم را دارد و اینها بدون هیچ ضابطه و بدون هیچ به اصطلاح کنترلی که در کارشان باشد در اختیارات تشنان است که دست در دست یکدیگر تماماً خود را در خدمت شرکت های خارجی قرار بدهند .

متاسفانه در همین بخش نفت و گاز ، که شما هم اشاره کردید . کارهایی من در همین زمینه انجام دادم که امیدوارم که در فرصت های دیگر بتوانم توضیحات بیشتری بدهم . همین قدر بگویم : هیچگونه ضابطه ای در اختیار شرکت های خارجی قرار داده نمی شود . فقط نوعی توزیع و تقسیم صورت می گیرد ، مثلاً فرض کنید بخشی در دست شورای نگهبان است . بخشی را به حوزه علمیه واگذار کردند و آنها هم چون خودشان ، هیچ تخصصی ندارند ، تنها با گرفتن یک سهمی از این ها _ که ما حتی توانستیم قرار داد هایش را پیدا کنیم ، که در آینده این اسناد را خواهیم گفت _ اینها بطور مشخص در حال فروش هستند . بعد ما شاهد این هستیم که شرکت هایی که در ایران سالها فعال بودند و سالها این شرکت ها در حال کار بودند ، الان به ثمن بخرس ، سهام هایشان را به خارجی ها واگذار می کنند ، فقط به خاطر اینکه ؛ مثلاً اقرار بکنند به اینکه ما داریم امتیاز به شرکت های خارجی می دهیم ! شرکت انگن ۶۰ در صد سهام کارخانه پاک فریش را خریده است . کارخانه پاک فریش جزء گروه بهشهر بوده که قبلاً در ابتدای سال ۵۷ مصادر شد ، بسیار بدهکار بوده ، دوباره با وامهای گرفته از جیب ملت ، ساخته شد .

تمام این قضایا به گونه ای است که به هیچ عنوان بخش خصوصی به مفهومی که مورد نظر صندوق بین المللی پول یا بانک جهانی بوده و است ، مشارکتی در این قضیه ندارد بلکه عده ای رانت خوار هستند که احساس می کنند ، اولاً سند را به نام خود کنند و ثانیاً دلالی ای بگیرند و با سودی که می برند ، باز هم به ثمن بخرس ویا فروختن امتیازات به غیر ، به راحتی بتوانند و می توانند به آن مبلغی دست پیدا کنند که می خواهند .

حال اصلاً آنچه در این وسط وجود ندارد آن هدف خصوصی سازی است که در سطح جهان مطرح می باشد . یعنی به علت اینکه آن فساد حاکم به دلیل بوروکراسی حاکم و به سبب آنکه در ایران عنان و مطلق العنانی آن بخشهای اقتصاد رهایی که در جامعه مان وجود دارند . آنقدر اینها خود سرانه عمل می کنند که حتی اخیراً هم در گزارش بانک جهانی بود : « خصوصی سازی در ایران ، اصلاً پیشرفتی نداشته است » ولی سردمداران همه تلاش خودشان را می کنند تا اظهار دارند که اینها همان خصوصی سازی است . خیلی مشخص است ، آنچه که حتی بعنوان خصوصی سازی در سطح جهان مطرح می شود و آنچه در ایران است ، فاصله بسیار زیادی با هم دارند ! امروز آنچه در ایران اجراء می شود ، تنها و تنها گذراندن قوانین برای باز گذاشتن دست همان به اصطلاح مراکز قدرت اقتصادی است که وجود داشته است !!

پرسش : از نظر شما پیامد های این خصوصی سازی در زندگی توده های مردم و زحمتکشان چه می تواند باشد؟

پاسخ : باید بگویم : پیامد هایش روز به روز ما در سطح جامعه ، آنگونه که ما شاهدش هستیم . آمار کودکان خیابانی روز به روز افزایش می یابد . آمار زنان خیابانی روز به روز افزایش پیدا می کند . آمار کارگران بیکار روز به روز افزایش پیدا می کند . سطح درآمد توده ها آنقدر پایین آمده که واقعا فقر با تمام چهره کربه اش در هر گوشه مملکت دیده می شود . من همین چند ساعت پیش از بم آمدم . آنجاییکه زلزله شده ، در آن جا با همه کمک های وسیع خارجی که شده به جرئت می توانم بگویم : هیچ گونه کاری برای مردم نکردند . تمام این پولها نیکه امداد رسانان بین المللی ، از تمام کشور ها دادند ، تمام اینها در درون این بوروکراسی حیف و میل شده است و رفت . تنها کارها نیکه صورت گرفته از جانب چند موسسه امداد رسان داخلی ، یا بعضی از امداد رسانان خارجی که مستقیماً مثلاً خودشان کارهایی انجام دادند . خانه ها خراب ، هنوز آوار برداری از خرابی زلزله ، حالا که ۹ ماه از زلزله می گذرد ، تمام کشور است . ما حتی یک ساختمان که از جانب یک ارگان دولتی ، از جانب یکی از این ستادهای مسئول باز سازی ، که بگویم تمام شده و ساخته شده در بم ندیدم . بقول معروف : « تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل » سوء تغذیه کودکان ، آواره گی زنان و کودکان ، بیکاری ، فقر و اعتیاد بیداد می کند . جالب اینکه بنشما بگویم : الال نیروی کار در بم _ همین بمی که اینقدر هم ظاهراً از سوی دوربین ها به اش توجه میشه _ برای کار پیدا کردن با ماهی ۶۰ هزار تومان التماس می کنند . یعنی اگر حقوق رسمی در ایران چیزی حدود ۱۱۰ هزار تومان است که حالا مثلاً میشه حدود ۱۴۰ دلار در ماه ، آن مردم حاضرند و التماس می کنند با ماهی ۷۰ دلار بتوانند اینها استخدام بشوند ! ولی هیچ کاری برایشان وجود ندارد .

این وضعیتی است که تقریباً تمام نیروی کار ایران با آن روبرو هست . اینرا می دانم که آینده ما باید واقعا منتظر شورشیهای عظیم مردمی باشیم . فکر نمی کنم به این وضعیت مردم بتوانند ، تحمل کنند . روز به روز ما شاهد ورشکستگی بخشی از بخشهای اقتصادی هستیم . در این رابطه چندی قبل کفاشان اکثر شان ورشکست شدند . صنف خیاط و تولیدی لباس اینها اکثراً ورشکست شدند . بازار ها تقریباً بطور کامل حالت رکود را دارد اما از اینطرف چیزی که گسترش پیدا کرده ، قاچاق کالا است . چیزی که گسترش پیدا کرده ، اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر است ، چیزی که گسترش پیدا کرده بزه کاری است . اخیراً شما شنیدید ۲۰ کودک از جانب فردی به نام « محمد بسیجه » و همد ستش درددیده شده و به آنها تجاوز شده و کشته شدند . یعنی اینها چیزی عادی است . حتی یکی از مادران و پدران گم شده ، مشخصاً گفته بود : « وقتی ما زنگ زدیم به نیروی انتظامی که بگویم : بچه مات گم شدند ، بما گفتند : برید تو اشغالها بگردید تا پیدااشون کنید !» در این جمهوری ما یک همچین وضعیتی داریم . این خصوصی سازی ، بازتاب شبه تنولیرالیسم است . در ایران تنولیرالیسم هم نیست . ممکنه تنولیرالیسم با همه فسادی که داره ، یک بخش اش چهار تا کار نمایشی یا شغل ایجاد کنه که چهار نفر روی شغل جدید برند . ولی در جامعه ما به هیچ عنوان ، دقیقاً و متاسفانه بازتابی ندارد

پرسش : آخرین پرسشتم را با شما در میان می گذارم : با توجه به رانت خواری اقتصادی یا اقتصاد رانتی که شما به آن اشاره داشتید . با بوروکراسی دولتی و مقوله هایی که بر شمردید ، شما به عنوان یک کارشناس اقتصادی ، چه راه حلی را برای برون رفت از این بن بست اقتصادی پیشنهاد می کنید ؟

پاسخ : من فکر می کنم به واقع راه حل توی این مملکت ، همچنان اقتصادی نیست و امکان راه حل اقتصادی در این شرایط وجود ندارد . ما بهتره که در این زمینه سکوت کنیم . چون با این دستگاه دولتی هر برنامه ای که ما بدهیم ، آن برنامه قطعاً با شکست مواجه می شود!

آقای ثقفی از شما به خاطر این گفتگو متشکریم !!

سناریوی خانه عنکبوت



اصلاح طلب" دو خردادی را ردیف می کند که اعضای نفوذی شبکه در داخل آپارات نظام هستند. او اگر چه اسم کوچک وحرف اول اسم فامیلی آنها را ذکر می کند، اما همگان میدانند که منظور او افرادی نظیر : بهزاد نبوی، مصطفی تاج زاده ، عیسی سحرخیز ، محمد علی ابطحی و ... است .

بدین ترتیب با یک چرخش قلم ، ابتدا سازمان سیا به یک دو چین از سایتها و روزنامه نگاران مقیم خارج متصل می شود و آنگاه اعضای داخل کشور ی شبکه افشا می شوند. با این نوع سناریو نویسی، شریعتمداری یکی از نیات رژیمش را لو میدهد و آن اینکه " ما در حد سلب صلاحیت، استضاح ،

وادار کردن به استعفا و کلاً بیرون انداختن کامل اصلاح طلبان از نظام مقدس اسلامی، باقی نخواهیم ماند، بلکه پرونده سازبهای امنیتی برای آنها به جرم ارتباط با بیگانگان و شیطان بزرگ، جزو اقدامات بعدی نظام محسوب می گردد." !!

اما جدا از این " جراحی داخلی"، رژیم به هدف بزرگتری فکر می کند که همانا خشکاندن سرچشمه های اطلاع رسانی، آگاهگری و ارتباط متقابل مردم و روشنفکران داخل و خارج از کشور، از طریق مکانیزم های جدید خبر رسانی و ارتباط گیری (دستاوردهای انقلاب تکنولوژیک سوم) است. به این موضوع خواهیم پرداخت، اما قبل از آن لازم است در مورد اتهام وابستگی سایت ها، وب لاگها و روزنامه نگاران و قلمزنان به سازمان اطلاعات آمریکا و وجود یک " شبکه عنکبوتی" ارگانیزه شده، اندکی مکت کنیم.

تردید نیست که نه تنها سازمانهای اطلاعاتی کشورهای پیشرفته غربی (و در راس آنها سازمان سیا) بلکه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی دیگر رژیم، هم در صفوف اپوزیسیون متشکل و هم در صفوف فعالین سیاسی منفرد و روشنفکران " تبعیدی"، دارای عناصر نفوذی ، خبر چین و مزدور باشند و یا حتی نهادهای رسانه های معینی توسط آنها تغذیه اطلاعاتی یا مالی و یا خدماتی شوند.

مثلاً گفته می شود که پاره ای رسانه های ماهواره ای سلطنت طلبان ایرانی در آمریکا توسط نهادهای سیاسی ، امنیتی یا مالی آن کشور تغذیه می شوند و یا بالعکس در سالهای گذشته به وفور شاهد لو رفتن عناصر نفوذی " واواک" در تشکل های اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور بوده ایم که تحت فشار و افشاگری اپوزیسیون ، پاره ای از آنها توسط دولتهایی نظیر آلمان یا سوئد، دستگیر و محاکمه شدند. حتی این حکم را نیز می توان پذیرفت که سازمان سیا و ... در صفوف رژیم اسلامی دارای نفوذیها و حقوق بگیرانی باشند. دیر نیست زمانی که فاش شود این یا آن سفیر، وزیر، آخوند و مقام امنیتی یا سیاسی یا نظامی رژیم، جاسوس سازمانهای اطلاعاتی غرب بوده اند. اما قبول این واقعیت جهان سرمایه (جاسوسی و ضد جاسوسی) اتوماتیک وار ، اتهام زنی ها و " تحلیل های کیلوثی" امثال شریعتمداری را به اثبات نمی رسانند. در حقوق مدنی مدرن ، " اصل بر برائت متهم است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود."

از " قضا " ، غالب سایت ها و نویسندگان گانی که کیهان از آنها نام میبرد، به لحاظ مواضع سیاسی، نه تنها اشتراکی با " اپوزیسیون سرنگون طلب " ندارند، بلکه عموماً از یک مثنی و لرم رفرمیستی و مداراچویانه حمایت می کنند و اکثر آنها در تمام دوران پس از دو خرداد 76 (و پاره ای از آنها در تمام طول حیات رژیم اسلامی) مدافع یک جناح از حکومت بوده اند. بگذریم که پاره ای از شبکه خیالی عنکبوت در داخل کشور، خود جزو آپارات رژیم بوده و کماکان به حکومت دینی اعتقاد داشته و به ولایت فقیه التزام دارند. بنابراین معلوم نیست بر مبنای کدام مستبدات، سایت ها و روزنامه نگاران داخل و خارج از کشور را به وابستگی به سازمان جاسوسی آمریکا متهم می کند. اگر اطلاع رسانی و انتشار تفسیر و تحلیل در مورد سیاست ها و اقدامات رژیم اسلامی از یک موضوع انتقادی، به معنای وابستگی به سازمان CIA است، آنگاه چرا کل نیروهای سیاسی اپوزیسیون ، تمامی تارنماها و رسانه ها و کلیه قلمزنان و کوشنده گان سیاسی، متهم به وابستگی نشوند؟ پس اتهام زنی کیهان رژیم ولایت، بیشتر مصرف داخلی دارد و هدف یا اهداف معینی از آن مد نظر است، والا وابستگی فرضی چند روزنامه نگار و سایت نگار به این یا آن شبکه خارجی، نه اهمیتی

اما آنچه که شریعتمداری در کیهان انجام می دهد صرفاً اتهام زنی و رجز خوانی پادوهائی از قماش مسعود ده نمکی و حسین الله کرم نیست. شریعتمداری بعنوان یکی از مهره های کلیدی " دستگاه اطلاعات موازی" معمولاً بیانگر طرحهایی است که توسط رژیم در حال تحقق است و یا زمینه برای اجرای آنها فراهم می شود. از اینرو غالب مطالب سر دبیر کیهان، حکم پیش نویس یک طرح جدید سرکوب را دارد و یا خیلی سر راست، خلاصه گزارش امنیتی است که او بعنوان مشاور رهبر، در کیهان چاپ می کند.

سرمقاله پنجالی هشت مهر ماه روزنامه کیهان با عنوان " خانه عنکبوت " یکی از این " گزارشات" یا " پیش نویس ها" بود که انعکاس گسترده ای پیدا نمود. او در هفته های بعد از چاپ آن مطلب نیز، بارها به موضوع پرداخت که از آن میان میتوان به مقاله " پس لرزه های خانه عنکبوت " در تاریخ 16 مهر اشاره نمود.

شریعتمداری در یادداشت " خانه عنکبوت" با توجه به آیه چهل و یک از سوره عنکبوت در قرآن و نیز بهره جستن از واژه انگلیسی website (تارنما) بقول خودش پرده از روی یک " نطفه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی " توسط یک شبکه عنکبوتی در عرصه اینترنت

، خبر رسانی و روزنامه نگاری برداشته است . او ابتدا از نقش مستقیم سازمان اطلاعات آمریکا CIA در تامین و هدایت این شبکه عنکبوتی سخن میراند . در این شبکه، چند سایت خبری مهم و پیش از یک دو چین روزنامه نگار و قلمزن و مفسر ایرانی مقیم خارج عضویت دارند. گویا نیوز و سایت امروز را بعنوان حلقه اصلی و سایتهای دیگر نظیر ، بی بی سی نیوز، ایران امروز ، پیک نت و ... را بعنوان حلقه های بعدی معرفی می کند که از طریق انبوهی از " وب لاگهای " شخصی نیز حمایت میگرددند. کیهان اسامی شماری از اعضای شبکه تحت کنترل سیا در خارج را چنین معرفی می کند: " داریوش سجادی (آمریکا) عباس احمدی (آمریکا) ، فرشاد بیان (مدیر سایت گویا، مقیم بروکسل) جمشید اسدی (پاریس) احمد سلامتیان (پاریس)

نیما راشدان (سوئد) ، حسین درخشان (تورنتو) علیرضا نوریزاده (لندن) مجید محمدی (نیویورک) ، سینا مطلبی (لاهه) ، جمشید بزرگر (لندن) ، ابراهیم نبوی (پاریس) ، مسعود بهنود (لندن) و ... کیهان در شماره های بعدی اسامی دیگری را نیز ذکر می کند و علاوه اعتقاد دارد که از میان " مهره های وابسته " فوق ، افرادی

مثل نوریزاده و بهنود، نقش مرکزی را دارند. شریعتمداری سپس به " افشای" بخش داخل کشور این " شبکه عنکبوتی وابسته به سیا" می پردازد که شامل چندین سایت و وب لاگ، چند شرکت ارائه دهنده خدمات اینترنتی و روزنامه " زنجیره ای اصلاح طلب" و تعدادی نویسنده و خبرنگار و روزنامه نگار می شود.

کیهان، در باصطلاح افشاگری خود، در همین جا متوقف نمی شود و اسامی پاره ای از مقامات دولت خاتمی و سردمداران جناح "

سناریوی خانه عنکبوت

بودند مورد یورش قرار گرفته و مدیران آنها بازداشت می شوند. همزمان با این اقدام، سران رژیم، برخی تارنماهای خبری متعلق به اصلاح طلبان نظیر سایت امروز را نیز بعنوان ستون پنجم دشمن و کسانیکه اخبار درونی نظام و برخی خلاف کارهای آنها به خارج درز میدهند) تا برای تبلیغات خارجی علیه جمهوری اسلامی، سوخت فراهم کنند) معرفی نموده و زمینه را برای قلع و قمع کامل آنها فراهم مینمایند. اما برای تحقق این پروژه، در حالیکه خود جناح بندیهای طیف محافظه کار، بوفور از سایتهای اینترنتی استفاده می کنند، باید بهانه شرعی لازم فراهم شود. سرمقاله کیهان با عنوان " خانه عنکبوت" وظیفه فراهم کردن این بهانه را بعهده داشته است. طبق این سناریو، ابتدا وابستگی شماری از سایت ها و قلمزنان در خارج به سازمان سیا، فرض گرفته می شود، آنگاه هر کس که در داخل با این سایت ها و قلمزنان ارتباط دارد و یا خبر و ملات در اختیار آنها قرار میدهد، اتوماتیک وار، همکار و شریک جرم این شبکه عنکبوتی تحت فرمان CIA قلمداد میگردد. با این ترفند، میخواهند تسلیم و سکوت بی قید و شرط را به " اصلاح طلبان" تحمیل کنند و فراتر از آن، از طریق کور کردن تمامی دریچه های درز خبر و اطلاعات، تصویر کشوری " با ثبات " و غیر بحرانی را در انتظار بین المللی جا بیندازند. از اینرو چنگال " خانه عنکبوت" را باید فاز دوم فیلترینگ ارزیابی نمود. غافل از اینکه مقابله با فنون جدید اطلاع رسانی و ارتباط گیری، مثل تف سر بالا می ماند و رژیم علیرغم همه تمهیدات و تزییفات، نخواهد توانست جلوی آنها بگیرد، کما اینکه نتوانست، جلوی استفاده از بشقابهای ماهواره ای را بگیرد.

میلیونها نفر در ایران به ماهواره و اینترنت دسترسی دارند و این روند علیرغم خواست رژیم روز بروز در حال افزایش است. از اینرو استعداد زیادی نمی خواهد تا گفته شود که طرحهای رژیم با شکست مواجه خواهند شد و " تارهای عنکبوت " (دنیای وب و سایبر) روز بروز حلقه محاصره را به گرد رژیم تنگ تر خواهند کرد.

19 اکتبر 2004

جنایت تازه نیروی انتظامی

یکشنبه ۲۶ مهر ۱۳۸۳ - ۱۷ اکتبر ۲۰۰۴

تنها چند روز بعد از آن که یک موتورسوار با ضربه مامور نیروی انتظامی بر زمین خورد و بر اثر سکتة مغزی درگذشت، یک مامور دیگر این نیرو جنایت تازه ای آفرید و با ورود به یک میهمانی خصوصی، یکی از حاضران را به ضرب گلوله از پای درآورد. روزنامه اعتماد در گزارش خود ادعا نمود که مامور مذکور که با بیاحتیاطی به سوی شرکتکنندگان در یک میهمانی شبانه، تیراندازی کرده بود، به اتهام قتل عمد دستگیر شده است. بنا بر این گزارش در جریان برگزاری یک میهمانی شبانه و مختلط در شهرک اندیشه کرج، ماموران نیروی انتظامی با تذکر به شرکتکنندگان، درصدد پایان دادن به این میهمانی بودند ولی شرکتکنندگان به تذکرات مامورین رژیم توجهی نکردند که در پی آن افسر نیروی انتظامی و سرباز همراه وی وارد منزل شدند و پس از رسیدن نیروهای کمکی، یکی از سربازان با اقدام به تیراندازی، یکی از شرکتکنندگان در این میهمانی را از پای درآورد. قاضی خاکی، دادیار شعبه اظهارنظر دربار این حادثه گفت: در بررسی های به عمل آمده سربازی که تیراندازی کرده، دستگیر و با صدور کیفرخواست، به قتل عمد متهم شد. این پرونده در تاریخ بیست و دوم آبان ماه در دادگاه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

برای رژیم دارد و نه برای " برادر بازجو و هویت گردان" (حسین شریعتمداری)!

در همین زمینه باید این هشدار را نیز به اپوزیسیون داد که پدام توطئه های رژیم نیفتند و وارد زمین بازی آنها نشود. مثلاً در این میان، آفای حسین هراتی با نگارش مقاله ای در سایت " بولتن"، مدعی شد که هدف کیهان از چنگال، " خانه عنکبوت"، نه افشای آن بلکه حفظ آن بوده است. به اعتقاد هراتی، اکثر کسانی که کیهان از آنها نام برده، مزدور و پادوی رژیم اسلامی هستند که دارد هویتشان بتدریج فاش می شود!! لذا شریعتمداری وارد میدان شده تا با " ایزگم کردن" و زدن اتهام وابستگی به سیا، آنها را از خطر سوخته شدن، نجات دهد!! این نوع برخورد، " افتادن از آن ور بام است". احتمال وجود مزدوران سیا و موساد و ساوا و ... در صفوف اپوزیسیون و روزنامه نگاران داخل و خارج، یک چیز است و اقامه مشخص این اتهام در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی معینی بدون ارائه هر گونه سند ومدرك، یک چیز دیگر.

اما هدف اساسی کیهان از چنگال خانه عنکبوت چیست؟

واقعیت این است که تحولات عظیم سالهای اخیر در زمینه اطلاع رسانی و ارتباطات، جمهوری اسلامی را در مخمصه بزرگی گرفتار نموده است. از یکطرف ضروریات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی در جهان پر شتاب معاصر، حکم می کند که از دستاوردهای " انقلاب اطلاعات و ارتباطات" نظیر: کامپیوتر، ماهواره، اینترنت، پست الکترونیکی، تلفن همراه و ... بهره گرفته شود و از سوئی دیگر خود این ابزارهای نوین، سرعت انتقال خبر و اطلاعات را چنان شتاب داده است که هیچ رژیم استبدادی نمی تواند بطور کامل جلوی آنها بگیرد. این ابزارهای نوین، مثل دفاتر احزاب اپوزیسیون و روزنامه ها و انتشاراتی ها نیست که مورد یورش قرار گیرند، پلمپ شوند و یا طعمه حریق گردند. میلیونها سایت اینترنتی و علاوه ماهواره ها و رسانه های متصل به آنها در خارج از جغرافیای ایران و حوزه سیاسی تحت کنترل رژیم قرار دارند. به همین خاطر سردمداران رژیم در راستای تشدید خفقان و منکوب کردن مردم جویای آزادی و رهایی، سیستم های اطلاع رسانی و ارتباط گیری نوین را همچون هیولائی در برابر خود می بینند که " مادر همه فسادها" و " مخاطرات" محسوب می شود!! از اینرو بعد از تسخیر مجلس هفتم و زمینه چینی برای گماشتن فردی مطمئن در مسند ریاست جمهوری و کلاً تیر خلاص بر دوران پس از دو خرداد 76، کور کردن کلیه منفذهای خبر گیری و ارتباط گیری را وظیفه تخطی ناپذیر خود تلقی می کند. یورش های دوره ای برای جمع آوری ماهواره ها، پلمپ کردن " کافه نت های غیر مجاز و خاکی"، تعطیل و نیز به دادگاهی کشیدن شرکتهای متخلف ارائه دهنده خدمات اینترنتی (ISP - اینترنت سرویس پرو وایدر) و فیلترینگ کردن سایتهای (جلوگیری از دسترسی مشترکین اینترنت در ایران به سایت های غیر مجاز- بویژه سایتهای اپوزیسیون) از جمله اقداماتی هستند که رژیم درمانده اسلامی، خود را ناگزیر از کاربست آنها مینماید. اما مشترکین اینترنت در ایران، قادر شده اند به کمک فیلتر شکن ها (که برنامه آنها به رایگان میتوان در پهنه بین المللی اینترنت بدست آورد) نظام سانسور و فیلترینگ رژیم را دور زده و این مانع را تا حدود زیادی از پیش پا بردارند. کیهان یکی از دلایل این ناکامی را این میدانند که برخی شرکتهای وسایط ها در ایران، از "داتای" (DATA) ارائه شده توسط کمپانیهای خارجی استفاده می کنند، لذا قادرند ممیزی فیلترینگ را در هم بشکنند. به عقیده شریعتمداری چنانچه تمامی شرکتهای و سایتهای در ایران، فقط و فقط از " داتای" اداره مخابرات بهره گیرند، آنگاه میتوان به پیشرفت طرح فیلترینگ امیدوار بود. به همین خاطر در هفته های گذشته چندین شرکت ارائه دهنده خدمات اینترنتی که گرداننده گان پاره ای از آنها، اصلاح طلبان حکومتی(از جمله پسر مزروعی)

کارگران قادر به ایجاد تشکل نیستند. در کارگاههای 35 نفر شاغل به بالا که بر مبنای قانون شوراهای اسلامی کار کارگران می توانند تنها شورای اسلامی ایجاد کنند، بیش از 75% کارگران آن بصورت کارگران قراردادی و پیمانی مشغول کار هستند که این بخش از کارگران نیز با توجه به وضعیت شغلی آنها امکان تشکل یابی از آنها سلب شده است.

لذا بطور واقعی متوجه می شویم که اکثریت قریب باتفاق کارگران ایران امکان تشکل یابی ندارند و در 800 کارگاه از 43 هزار کارگاهی که آقای حسن صادقی رئیس شوراهای اسلامی کار مدعی است در آنجا شورای اسلامی کار دائر است این افراد انجمن های اسلامی هستند که از طرف خانه کارگر رژیم در این کارگاهها بعنوان نمایندگان کارگران منتصب شده اند و منتخب کارگران این کارگاهها نیز نمی باشند.

بنابراین با صراحت می توان گفت که در مقطع فعلی کارگران ایران فاقد هر گونه تشکل مستقل مورد نظر خویش می باشند.

آقای دبیر کل !

انتظار ما از شما این است که طی نامه ای به مسئولین سازمان جهانی کار به آنها یادآور شوید که در مقطعی که کارگران ایران فاقد هر گونه تشکل مستقل خود می باشند و در غیاب نمایندگان منتخب کارگران بخصوص در صنایع بزرگ، انعقاد هر گونه توافق نامه ای از نظر کارگران مشروعیت قانونی ندارد.

انتظار ما از شما این است که به مسئولین سازمان جهانی کار یاد آور شوید پذیرش مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان نمایندگان منتخب کارگران از طرف این ارگان نادیده گرفتن سرکوب سیستماتیک کارگران طی 25 سال گذشته است. کسانی که هم اکنون نمایندگان کارگران دستگیر شده شهرستان سقز را که بخاطر قصد راهپیمایی در اول ماه مه طی اطلاعیه شان غیرقانونی اعلام می کنند و به مسئولین قوه قضائیه پیشنهاد می کنند برای این افراد جرم وابستگی به گروههای غیرقانونی را در نظر بگیرند بهیچ عنوان نمی توان آنها را نمایندگان کارگران بحساب آورد. ما از شما درخواست می کنیم که برای شناخت بیشتر واقعیت موجود جنبش کارگری ایران و وضعیت تشکل یابی آنها چنانچه هیاتی را از طرف کنفدراسیون خود به ایران اعزام دارید . چنانچه مسائل بالا مورد تأیید شما قرار گرفت عدم پذیرش این افراد بعنوان نمایندگان کارگران را در جلسات سازمان جهانی کار مورد بررسی قرار دهید.

با تشکر فراوان از توجه شما

مرسده اخلاقی سندیکای بافنده سوزنی، مرتضی افشاری اتحادیه کارگران صنعت چاپ تهران و حومه، هوشنگ انصاری شورای کارکنان نوپتکاری پالایشگاه تهران، عجم بهادری شورای کارکنان صنایع فولاد اهواز، علی پیچگاه شورای مرکزی کارکنان صنعت نفت، مهوش خراسانی شورای کارگران کارخانه جوراب استارلایت، غلامعلی خانعلی زاده کارخانه کفش ملی، یداله خسروشاهی شورای مرکزی کارکنان صنعت نفت، حسن رحیمی اتحادیه کارگران پروژه ای فصلی سنندج، منصور سلطانی کارخانه ایندامین، کیومرث شهینی سندیکای کارگران انبار نفت ری و مخابرات صنعت نفت، محمد صفوی شرکت پروژه ای اصفهان و دبیر اتحادیه کارگران نان کانادا، یدی عزیزی اتحادیه صنعتگر، عباس علیپور شورای کارکنان صنایع چوب ایران، مظفر فالاحی کارخانه شاهو و اتحادیه صنعتگر، فرامرز فیضی شورای عالی کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، توفیق فرجی اتحادیه صنعتگر، رسول فقهازاده شورای کارکنان ابزار دقیق پالایشگاه تهران، علی شیر مبارکی سندیکای کارگران پروژه ای آبادان، حمید نوشادی آجر ماشینی فرچک ورامین و شرکت دخانیات ایران، جلال مجیدی شورای مرکزی کارکنان صنایع گسترش و نوسازی.

نامه سرگشاده گروهی از نماینده گان سابق کارگران ایران !

به دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه های بین المللی آزاد کارگری !

• ما بعنوان جمعی از نمایندگان سابق تشکلات مختلف کارگری در ایران به اطلاع شما می رسانیم که با توجه به قوانین موجود شوراهای اسلامی کار که به تصویب مجلس نیز رسیده است، این تشکل [خانه کارگر] هیچ مقبولیت قانونی از طرف کارگران ایران ندارد و یک تشکل کاملاً انتصابی ایدئولوژیک و دست ساخته رژیم جمهوری اسلامی است

• پذیرش مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان نمایندگان منتخب کارگران از طرف این ارگان نادیده گرفتن سرکوب سیستماتیک کارگران طی 25 سال گذشته است

• ما از شما درخواست می کنیم که برای شناخت بیشتر واقعیت موجود **نمایندگان سابق کارگران ایران** جنبش کارگری ایران و وضعیت تشکل یابی آنها هیاتی را از طرف کنفدراسیون خود به ایران اعزام دارید
متن این نامه به قرار زیر است:

آقای گای رابدر دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه های بین المللی آزاد کارگری !

قطعا مطلع هستید که نمایندگانی از طرف سازمان جهانی کار مدت یک هفته است که در ایران بسر می برند. بر مبنای گزارش رسانه های خیری وابسته به رژیم جمهوری اسلامی ایران (ایلنا و ایسنا) نمایندگان سازمان جهانی کار اعلام کرده اند که با مسئولین دولت و خانه کارگر به یک توافق سه جانبه در مورد تشکلات کارگری رسیده اند.

بر مبنای این اطلاعیه ها قرار است در فصل ششم قانون کار و هم چنین قوانین شوراهای اسلامی کار تغییراتی را بوجود آورند و قوانین شوراهای اسلامی را بیشتر به مسائل صنفی نزدیک کنند. نمایندگان سازمان جهانی کار ضمن پذیرش مسئولین خانه کارگر بعنوان نمایندگان کارگران ایران و پذیرش شوراهای اسلامی کار بعنوان تشکلات منتخب کارگران ضمن نشستی با این جمع و نمایندگان دولت به این توافق سه جانبه دست یافته اند. ما بعنوان جمعی از نمایندگان سابق تشکلات مختلف کارگری در ایران به اطلاع شما می رسانیم که با توجه به قوانین موجود شوراهای اسلامی کار که به تصویب مجلس نیز رسیده است، این تشکل هیچ مقبولیت قانونی از طرف کارگران ایران ندارد و یک تشکل کاملاً انتصابی ایدئولوژیک و دست ساخته رژیم جمهوری اسلامی است.

خود به درستی می دانید که بر مبنای ماده 15 و تبصره مربوط به قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار مصوبه 10-30-1363 کارگران شاغل در صنایع بزرگ چون نفت، گاز، پتروشیمی، صنایع اتمی، سازی، صنایع مس، صنایع سنگین، ذوب آهن، نویسندگان، معلمان، کارکنان مطبوعات، حمل و نقل، بیمارستانها، ساختمانها، ادارات و بانکها، آب، برق، مخابرات و... اجازه ایجاد هیچ گونه تشکلی را ندارند. هم چنین در کارگاههای زیر 35 نفر که شامل 96% کل کارگاههای ایران می شود نیز بر مبنای ممنوعیت قانونی

اخبار مبارزات کارگران ایران

* کارگران کارخانه پاکریس در اعتراض به عدم دریافت حقوقشان تجمع کردند

دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۳ - ۱۸ اکتبر ۲۰۰۴
 سمنان، خیرگزاری جمهوری اسلامی: جمعی از کارگران کارخانه پاکریس مهدیشهر سمنان روز دوشنبه با تجمع در داخل این واحد نسبت به عدم پرداخت حقوق و مطالبات خود اعتراض کردند. کارگران میگویند که حقوق و مزایای سه ماه گذشته خود را دریافت نکرده و با توجه به ماه رمضان از مشکلات معیشتی رنج می‌برند. این در حالی است که در اجرای بند دال قانون و طرح تعدیل ۲۰۸ نفر از کارگران این واحد بازخرید و اخراج شده اند. بخشدار مهدیشهر در تماس خبرنگار ایرنا با وی ضمن تأیید این خبر خواستار رسیدگی مسولان بنیاد مستضعفان به وضعیت کارگران این واحد شد. "حسین همتی" گفت: به رغم پرداخت نکردن حقوق کارگران در سه ماه گذشته متأسفانه هیچک از مسولان بنیاد مستضعفان پاسخگوی آنان نیستند. کارخانه ریسندگی و بافندگی پاکریس مهدیشهر تحت پوشش بنیاد مستضعفان قرار دارد. بخشدار مهدیشهر افزود: مدیرعامل و دیگر مسئولین کارخانه پاکریس در محل این واحد حضور ندارند و ادعا نمود که مسولان استان در صددند تا با حضور این مسولان نسبت به حل مشکلات این دسته از کارگران اقدام نمایند.

* جمعی از کارگران شرکت "مهران موج" همدان با ارسال نامه ای به دبیر اجرایی خاتمه کارگر این شهر، در خصوص نحوه پرداخت دستمزد خود اعتراض کردند!

در این نامه که نسخه ای از آن در اختیار سرویس کارگری ایلنا قرار گرفته، آمده است: ما امضاء کنندگان این نامه در خواست رسیدگی به شکایت و انجام بازرسی ویژه در خصوص حقوق خود داریم. در ادامه نامه آمده است: در سال 81، 30 هزار تومان، سال 82، 40 هزار تومان و سال 83، 60 هزار تومان دستمزد برای کارگران این شرکت در نظر گرفته شده، ضمن آن که عیدی و ما به التفاوت این دستمزد اندک را نیز تاکنون نپرداخته اند. نامه افزوده است: در لیست بیمه ای که به اداره مربوطه ارسال می شود، حقوق هرکارگر، مطابق با مبلغ تعیین شده شورای عالی کار اعلام شده است. در خاتمه این نامه، کارگران ضمن درخواست پرداخت تمامی حقوقشان، خواستار رسیدگی به تخلفات اداری از جمله قراردادهای سفید امضاء و عدم تسویه حساب با نیروی کار شده اند.

* کارگران "نساچی بابکان آمل" در اعتراض به تعطیلی این واحد و عدم دریافت 3 ماه دستمزد، دست به تجمع اعتراض آمیز زدند!

به گزارش سرویس کارگری ایلنا، در این تجمع که در محل کارخانه "نساچی بابکان" انجام گرفت، کارگران با اعتراض به واگذاری این واحد تولیدی به بخش خصوصی در بهمن ماه سال گذشته اعلام کردند که این واگذاری بدون کارشناسی انجام پذیرفته و قیمت تعیین شده برای آن که 13 میلیارد تومان بوده، کمتر از یک سوم قیمت واقعی آن است. شرکت "نساچی بابکان" با داشتن 735 کارگر، یکی از واحدهای موفق کشور بوده که در سال 1352 تاسیس شده و از سال 60، با

ظرفیت تولید ماهانه 20 تن نخ توانسته قدم هایی موثری در اشتغال زایی در منطقه بردارد. بنا بر این گزارش، پس از واگذاری واحد مذکور، به علت عدم مدیریت کارآمد، با بدهی های کلان شامل 2 میلیارد تومان به دارایی، 20 میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی و 100 میلیون تومان به اداره برق مواجه گردیده و حدود یک ماه است که برق آن قطع و تولید آن متوقف شده است. گفتنی است که کارگران "نساچی بابکان" در خاتمه این تجمع خواستار پی گیری مسولین نسبت به مشکلات آنان شدند.

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.com

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com